

چین

(بهشت تاریخ گزاران)

نیز...!!

پرسیدم چرا مساجد در چین بازاست و کلیساها بسته ؟ گفتند چون علمای اسلام جاسوس نیستند ولی کشیشان ...

در شماره های گذشته عامل پیشرفت اسلام را از رهگذر « شرائط و مقتضیات زمان » مورد بررسی قرار دادیم و به این مناسبت از : عربستان ، ایران ، روم ، آفریقا ، اسپانیا و هند بحث کردیم و اینک دورنمای ملت کهنسال چین را نشان می دهیم :

تمدن‌ها است و هیچ کشوری قدرت رقابت با آن را ندارد تا جائیکه « بهشت تاریخ گزاران » لقب گرفته است !!
«دیدرو» دربارهٔ مردم این سرزمین می نویسد :
«این اقوام از لحاظ قدمت تاریخی؛ هنر، هوش ،

گرچه بسیاری از پژوهشگران و مورخان معتقدند: کشور آسمانی چین همانطور که از لحاظ وسعت خاک و حاصلخیزی و منابع طبیعی و کثرت جمعیت یکی از غنی ترین مناطق روی زمین است ، از لحاظ تمدن و فرهنگ نیز دارای ارزنده ترین و غنی ترین

بودند و شاید بعد از این بار دیگر که اروپا به توحش و ظلمت باز گردد، چین متمدن بماند». (۲)

اما با همه امتیازی که این کشور آسمانی از دیگر مناطق کره زمین داشته در عین حال گرفتار نابسامانی نهائی بوده که همانند همه سرزمینها ایجاب می کرد: دستی از غیب برون آید و کاری بکند.

و اینک به برخی از آن نابسامانها ذیلا اشاره می شود:

عقائد و افکار

گرچه مردم چین از لحاظ زندگی مادی نسبت به ساکنان کشورهای دیگر، در یک سطح بهتری قرار داشتند اما از لحاظ طرز تفکر و جهان بینی اگر نگوییم از مردم سرزمینهای دیگرست تر بوده اند امتیازی هم نسبت به آنها نداشته اند زیرا جان پرستی، تعدد آلهه، پرستش آلهه حاصلخیزی، آلهه باران، آلهه باد، آلهه برف، آلهه آتش، آلهه کوه، آلهه آسمان و بالاخره مرده پرستی و پرستش ارواح نیاکان و پناه بردن به سحر و جادو و قربانی برای خدایان خیالی یاد شده از مشخصات روحی و فکری انسان بشمار می رفته است.

درست است که در چین ادیان آسمانی به آن شکلی که در خاور نزدیک و شرق میانه رواج داشته مردم را به خدا و قیامت سوق می داده وجود نداشته است اما فیلسوفان و مصلحانی چون «لائوتسه» و «کنفو سیوس» برای برگردن خلاء مذهبی و ارشاد و هدایت مردم این منطقه آنانرا به یک نوع وحدت وجود و اخلاق و رفتار نیکو؛ ترغیب مینموده اند

خرد، سیاست و فلسفه دوستی از سایر اقوام آسیائی برترند.

«ولر» می گوید: سازمان شاهنشاهی چین برستی بهترین سازمانی است که جهان بخود دیده است.

«کنت کیزر لینگک» در باره آنان می نویسد:

«بر روی هم کاملترین نوع بشریت در چین باستان بسیار آمده است! والاترین فرهنگ جهانی که تا کنون شناخته شده در چین زاده شده، برتری چین در همه گونه امور صوری بی چون و چرا است، شاید انسان چینی عمیقترین انسانها باشد». (۱)

«ویل دورانت» بعد از نقل عبارات فوق اضافه می کند: «در پس این پرده تاریک که بچشم بیگانه می خورد؛ یکی از کهن ترین و غنی ترین تمدنهای زنده وجود دارد؛ سنن شعری آنان به ۱۷۰۰ سال پیش از مسیح می رسد، فلسفه کهنسالی دارند که گرچه خیال آمیز و ژرف است اما عملی و دریافته است، چینی سازی و پیکر نگاری آنان استادانه و در نوع خود بی نظیر است.

در هیچیک از ادوار تاریخ اثر بخش تر از اخلاق چینان دیده نشده است.

سازمان اجتماعی آنان بیش از همه سازمانهای اجتماعی تاریخ؛ تاب آورده و انبوه ترین جمعیتها را سامان بخشیده است. شکل حکومت پیش از انقلابشان همواره کمال مطلوب فیلسوفان بوده در زمانی که یونانیان در توحش بودند چینان متمدن

دختران و بییمان را در مواقع قحط و غلا، بدرمی چند می فروختند و پدران در همه حال حق فروش دختران خود را داشتند، با آنکه رژیم بردگی در چین رواج داشت اما هیچگاه پایه یونسان و روم نمی رسید، بهای آدم بقدری نازل بود که استفاده از دامها و وسایل دیگر برای حمل و نقل مقرون بصرقه نبود، کالاهای پریشته انسان حمل می شد، بازبران بردبارتخت روانها را نیز برشانه های مجروح و پنبه بسته خود حمل می کردند. (۵)

زن در جامعه چینی ارزش چندانی نداشت، مرد می توانست زن و فرزندانش را به کنیزی بفروشد و بیاکشد، و بندرت زن و فرزندانش را اجازه شرکت در سفره غذایی می داد، اختیار طلاق با او بود به هر بهانه ای از نازائی گرفته تا پرگوئی می توانست زنی را طلاق بگوید، تعدد زوجات کاملاً برایش جایز بود، زن بعد از شوهر برای اثبات وفاداری خویش دست به خودکشی می زد و این رسم، تا قرن نوزدهم در چین رواج داشت، دختران همچون بار، بردوش خانواده سنگینی می کردند، اگر در مواقع سختی دختری بردختران مقدر خانواده افزوده می شد، امکان داشت که نوزاد بیگناه را رها کنند تا در سرمای شب بمیرد یا خوراک گوزان طعمه طلب شود!! «پال هوپان» بانوی ادیب چینی درباره ی ارزشی زن در چین می نویسد: در میان

که بعداً به شکل آئین «تالوئیسیم» و «گنفو-سیانیسیم» درآمد و پیروان فراوانی پیدا کردند اما مرور زمان بقدری آنها را مبهم و پیچیده و آلوده با انواع خرافات و موهومات ساخته بود بجای آنکه عقائد و افکار مردم را اصلاح کنند خود عامل انحراف و گمراهی شده بودند. (۱)

البته وضع «بودیسیم» که از هندوستان به آنجا راه یافته و پیروان زیادی پیدا کرده بود بهتر از آئینهای یاد شده نبوده است. (۲)

نظام اجتماعی و سیاسی

مردم چین از لحاظ حکومت دارای حکومتی مخلوط از «اریستوکراسی» و «دموکراسی» بودند، امپراطوران و پادشاهان شان فرزندان آسمان (خدا) بشمار می رفتند. II

گرچه نظام طبقاتی آنطور که در هندوستان و ایران حاکم بوده در چین رواج نداشته اما رسم چنین بوده دیوانی را که دانشمندان و معلمان و کسارگزاران طبقه اول و کشاورزان را طبقه دوم و صنعتگران را طبقه سوم و بازرگانان را طبقه چهارم بشمرند. (۳) با آنکه اساس اقتصاد چین را کشاورزی تشکیل می داد، در همین حال فقیرترین و محرومترین طبقات چین همان کشاورزان بودند که در سراسر عمر با تمام زحمتی که می کشیدند، جز در موارد معدودی از خطر گرسنگی در امان نبودند و سالی نبود که خلق کثیری از آنها از گرسنگی هلاک نشوند. (۴)

۱ - ویل دورانن ج ۳ ص ۱۰۵۵ - ۱۰۶۱ .

(۲) مراجعه شود به فصل نهم و دهم تاریخ جامع ادیان ص ۲۲۲ - ۲۵۹ .

(۳ - ۲ - ۵) تاریخ تمدن ویل دورانن کتاب اول بخش سوم صفحات ۱۰۵۰ - ۱۰۴۸ - ۱۰۵۱

شنید که دولت نظامی تازه‌ای راه‌های تجارتي را زیر تسلط خود آورده سفیری به مدینه فرستاد و عثمان هم از جانب خود در سال ۶۵۱ سفیری به چین اعزام داشت، پس از آن در سال ۷۱۳ و ۷۲۶ بین طرفین هیئت‌هایی مبادله گردید و گروهی از علویان نیز که از شکنجه و فشار بنی‌امیه فرار کرده بودند پیش از سال ۷۵۰ به چین رفتند و در آنجا اقامت گزیدند. (۴) همه اینها بعلاوه لشکری که هشام بن عبدالملک برای حمایت از امپراطور چین «هزوان تسنگ» هنگامیکه برخی او را از تخت بیزیر آورده بودند، فرستاد و دوباره او را بر تخت نشاند و همچنین فتح منولها که راه رفت و آمد را بسوی کشورهای اسلامی و چین باز کرد، اثر خاصی در پیشرفت اسلام در این منطقه و گرایش مردم بسوی اسلام داشته (۵) تا جائیکه «مستر هازارد» آمریکائی چنین نتیجه می‌گیرد که: «از آن پس، نفوذ تدریجی مسلمانان در چین و گرویدن عده دیگری به دین اسلام و توالد و تناسل سریع مسلمانان (سرشماری چین در دوره امپراطوری هر خانوار مسلمان را شش نفر و هر خانوار غیر مسلمان را پنج نفر به حساب آورده است) موجب افزونی جمعیت مسلمانان شد به نحوی که اکنون جمعیت مسلمانان چین به پنج درصد کل جمعیت که چهار صد میلیون نفر است تخمین زده می‌شود». (۶)

انواع انسان، فروترین جایگاه از آن ماست، ما بخش ضعیف بشریت هستیم، پست‌ترین کارها برعهده ماست». (۱)

«فوشان» شاعر چینی نیز ضمن اشعاری در این باره چنین می‌گوید: زنبودن چه غم‌انگیز است، در زمین چیزی به این کم‌بهرائی نیست، وقتی دختری بدینا می‌آید کسی شاد نمی‌شود» (۲)

اسلام در چین نفوذ می‌کند:

کشور پهناور چین با این افکار و عقائد و نظامات سیاسی و اجتماعی که به گوشه‌ای از آن اشاره گردید. همانند دیگر مناطق روی زمین و جهان آن‌دروز، آمادگی خاصی برای پذیرش آئین اسلام داشت نهایت آنکه زندگانی رسول خدا و حوادث دوران خلفای بعد از او هیچگاه این اجازه را ندادند که از راه «جهاد آزادی‌بخش» مردم آن منطقه را از زیر سلطه «فرزندان آسمان» و عقائد و افکار خرافی و سستی‌های غلط و نظامهای جائزانه آن محیط نجات بخشند ولی از زمان خود رسول خدا (۳) تجار مسلمان به چین راه یافتند و دین اسلام از راه دریائی «کانتون» و از راه زمینی کاروان‌دوبه مهاجرنشینهای عرب در چین وارد گردید؛ در حدود سال ۶۵۰ میلادی امپراطوری از خاندان تانگ موسوم به «گائو تسنگ» چون از ساسانیان و بیزانسی‌ها

(۱ - ۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۳ ص ۱۰۶۷ (۳) نگاهی به تاریخ جهان ج ۱ ص ۲۶۰

(۴) اطلس تاریخ اسلامی ص ۲۲

(۵) الدعوة الی الاسلام ص ۳۳۳ - ۳۳۴ - کیف انتشار الاسلام ص ۸۵

(۶) اطلس تاریخ اسلامی ص ۲۲

دیدن کرده می گوید : دیدم مساجد مسلمین بازا است ولی کلیساها بسته است از علت این جریان سؤال کردم به من گفتند : «چونکه علمای اسلامی جاسوس نیستند ولی کشیشان مسیحی جاسوس می باشند.»

وزیر نامبرده اضافه می کند : شهر «ارو،چی» که مرکز ایالت «سینگیانگ» است يك شهر كاملا اسلامی است و از پنج میلیون سکنه آن چهار میلیون نفر مسلمان هستند . (۴)

البته این آمار هم قدیمی است و هم غیر دقیق، اکنون که چین در حدود ۸۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. (۱) مسلمین آن در حدود ۶۵ تا ۷۵ میلیون نفر میباشند. (۲) که می گویند : در کلیه خاك چین در حدود چهل هزار مسجد وجود دارد و مسلمانان از این مساجد برای عبادت و سخنرانی به منظور اتحاد استفاده می کنند. (۳)

و جالب توجه این است که «بحمد شیخان» وزیر مختاران ونزی در تهران که در سال ۱۳۳۴ از چین

پاکیزه باش

پیامبر (ص) می گوید :

الاسلام نظیف ، فتنظفوا فانه لا یدخل الجنة، الانظیف :
اسلام پاکیزه است شما نیز تمیز و پاکیزه باشید زیرا جز پاکان کسی به

بهشت نمی رود .

(نهج الفصاحه)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

(۱) جغرافیای کامل جهان ص ۱۱۱

(۲) مسلمین جهان ص ۱۱۵ - محمد خاتم پیامبران ج ۲ ص ۳۵۹

(۳) مجموعه سخنرانیها و خطابهها در انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی ج ۳ ص ۱۳۵ - ۱۳۷

سخنرانی سرتیب حسینعلی رزم آرا به نقل از محمد خاتم پیامبران ج ۲ ص ۳۲۵

(۴) مسلمین جهان ص ۱۱۹